

# فرار گانگستر از بیمارستان

دستگیری اعضای باند سرقت مسلحانه بانک که در جریان سرقت ردی از خود برجا نگذاشته بودند، خاطره یکی از کارآگاهان پلیس آگاهی ایلام است

سال ۹۱، سه مرد جوان، در حالی که صورت‌های‌شان را با نقاب پوشانده بودند، سوار بر دو موتورسیکلت راهی یکی از بانک‌های ایلام شده، اقدام به سرقت از بانک کرده و پس از اجرای نقشه‌شان از محل متواری شدند. با گزارش این سرقت، بلافاصله وارد عمل شدیم، اما سارقان در محل سرقت هیچ رد و سرنخی از خود به جا نگذاشته بودند.

تحقیقات برای شناسایی و دستگیری سارقان بانک بلافاصله در دستور کار قرار گرفت و تیمی ویژه، رسیدگی آن را به عهده گرفتیم. در نخستین گام طرح مهار در سطح شهر اعلام شد. اکیب‌های مختلفی از ماموران در سراسر شهر در کمین بودند که در یکی از محله‌ها به موتورسواری دو ترک مشکوک شدند. ماموران دستور ایست دادند، اما موتورسواران اقدام به فرار کردند. در نهایت موتورسواران که تعادل‌شان را از دست داده بودند، به ناچار موتور را رها کرده و از محل فراری شدند.

## نخستین سرنخ

موتورسیکلتی که از موتورسواران به دست آمده بود، به اداره آگاهی منتقل شد و در بررسی‌های اولیه مشخص شد شماره تنه و شماره موتور مخدوش شده است. کارآگاهان تشخیص هویت با اقدامات فیزیکی روی موتور موفق شدند شماره تنه و موتور را به دست آورند. در ادامه بررسی‌ها و استعلام شماره تنه و موتور، هویت مالک آن، که یکی از سارقان بود به دست آمد. با به دست آمدن هویت یکی از متهمان، مخفیگاه او شناسایی شد. اما زمانی که مخفیگاه را به محاصره درآوردیم، پی بردیم که متهم از

محل متواری شده است.

## هویت دومین متهم

در ادامه تحقیقات و با بازبینی دوربین‌های مداربسته بانک، گرچه متهمان صورت‌های‌شان را پوشانده بودند، اما موفق به شناسایی هویت یکی دیگر از آنها شدیم. ماموران با مراجعه به مخفیگاه دومین متهم به نام بهروز، موفق به دستگیری مرد جوان شدند.

با انتقال متهم جوان به اداره آگاهی، او بدون هیچ مقاومتی به جرم خود اعتراف کرد و گفت: «از مدتی قبل همراه شهاب، صاحب موتورسیکلت و بانک تصمیم به سرقت مسلحانه از بانک گرفتیم. سردسته و مغز متفکر این سرقت شهاب بود.»

با دستگیری دومین متهم، ما هویت سومین عضو این باند را هم به دست آوردیم. از آنجا که احتمال می‌دادیم همدستان بهروز با او تماس بگیرند، گوشی تلفن همراه او را به صورت روشن گذاشته و منتظر بودیم. تا این که ساعت سه نیمه شب انتظار ما به پایان رسید و چندین بار با تلفن همراه بهروز تماس گرفته شد. اما من تلفن او را جواب ندادم که در نهایت پیامکی با این مضمون که بابک هستم و

می‌خواهم با شما صحبت کنم، ارسال کرد. با دریافت این پیامک و اطمینان از این که سردسته باند تماس گیرنده است، نصفه شب راهی بازداشتگاه شده و تلفن همراه بهروز را در اختیارش قرار دادم. قبل از تماس آموزش‌های لازم در این رابطه که صحبتی از بازداشت شدنش نداشته باشد را به او دادم.

## قرار صوری

براساس آموزش‌هایی که به بهروز داده بودیم، او با سردسته باند تماس گرفت و با این ادعا که خواب بوده و متوجه تماس‌ها نشده، گفت: «سرگردان در شهر است، جایی برای مخفی شدن ندارد و می‌ترسد که بازداشت شود. بهروز مدعی شد که پس از سرقت راهی تهران شده و از بابک خواست که خود را به تهران برساند.»

قرار بین دو متهم گذاشته شد و پس از مشخص شدن زمان و محل قرار، با هماهنگی‌های قضایی با بازپرس پرونده راهی تهران شدیم. محل قرار صوری را زیر نظر گرفتیم. در زمان قرار متهم اصلی به محل قرار نیامد و نفر دیگر را فرستاده بود تا بهروز را به مخفیگاه‌شان منتقل کنند. ما بلافاصله وارد عمل شده و دومرد جوان را بازداشت کردیم. آنها هم زمانی که از ماجرا با خبر شدند بدون هیچ



مقاومتی مخفیگاه بابک را به ما نشان داده و ما موفق شدیم بابک را در حالی که از ناحیه شکم زخمی شده بود، بازداشت کنیم.

## فرار از دست مامور

در تحقیق از بابک درخصوص زخمی شدن شکمش، او به ما گفت: «پس از سرقت از بانک راهی تهران شدم. در تهران تصمیم به سرقت گرفتم و در حال سرقت لوازم داخل خودرویی بودم که ماموران گشت پلیس به من مشکوک شده و بازداشت کردند.»

متهم برای مان تعریف کرد که پس از بازداشت، به فکر فرار می‌افتد و نقشه‌ای می‌کشد. هنگام انتقال به کلانتری باشیء نوک تیزی شکم خود را زخمی می‌کند تا از این طریق او را به بیمارستان ببرند و بتوانند نقشه فرارش را اجرا کند. بعد از این که بابک را به بیمارستان منتقل می‌کنند، او در فرصتی مناسب از غفلت سربازی که وظیفه مراقبت و نگهداری او را داشته، استفاده کرده و از بیمارستان متواری می‌شود.

با دستگیری دومین عضو باند، بلافاصله مخفیگاه آخرین نفر نیز شناسایی و در عملیاتی ویژه او نیز بازداشت شد. در بازرسی از مخفیگاه متهمان دو قبضه سلاح گرم و تعدادی فشنگ که با آن نقشه سرقت از بانک را اجرا کرده بودند، به دست آمد. همچنین پول‌های سرقتی از بانک نیز کشف شد. بدین ترتیب سارقانی که هیچ رد و سرنخی از خود به جا نگذاشته بودند با تلاش کارآگاهان اداره آگاهی پلیس استان ایلام دستگیر شدند.

پرونده متهمان پس از تکمیل تحقیقات و بازسازی صحنه سرقت مسلحانه خود به دادگاه کیفری استان ارجاع شد و آنها به ۲۰ سال حبس محکوم شدند.



سارق مسلح

تلافی‌فروشی که هیچ ردی

از خود به جا نگذاشته

بود، نمی دانست

پلیس هویتش را

شناسایی کرده و با یک

قرار صوری به فرارش

پایان می دهد



## کلاهبرداری با سیمکارت دیگران

سند مالکیت سیمکارت‌های خود حتماً اکانت‌های شبکه‌های اجتماعی را که با آن سیمکارت فعال شده‌اند، حذف کرده و با این اقدام احتمال سوءاستفاده دیگران در شبکه‌های اجتماعی را از بین خواهند برد. احتمال سوءاستفاده‌های متعدد از سیمکارت‌های متعلق به دیگران توسط افراد سودجو وجود دارد لذا تاکید می‌شود هرگونه خرید و فروش سیمکارت‌های روشن، بدون انجام تغییر سند مالکیت، غیرقانونی بوده و شهروندان باید نقل و انتقال سیمکارت‌های روشن را در دفاتر خدمات مجاز انجام دهند.

یکی از شگردهای مجرمان به خصوص کلاهبرداران برای این که ردی از خود باقی نگذارند، استفاده از سیمکارت‌های متعلق به افراد دیگر است. به همین دلیل شهروندان باید هوشیار باشند تا مورد سوءاستفاده این مجرمان قرار نگیرند. شهروندان تحت هیچ شرایطی تلفن همراه یا سیمکارت فعال خود را در اختیار افراد ناشناس و غریبه قرار ندهند زیرا احتمال ارتکاب جرم و سوءاستفاده از سوی این افراد وجود دارد. همچنین افراد هنگام انتقال

سرهنگ  
رضا زارعی  
جانشین فرماندهی  
انتظامی استان همدان

هشدار هفته